

افتخار سربازان شهید نهضت ملی که در سربزرگ سی ام تیر جان باختند

لوح افتخار

رضا ایوبی ارغند (دوره گرد) - حسن نیکوسخن (آهنگر) - عباس لؤلؤ (زرگر) - محمود عموتی (آجیل فروشی) - نوروز کفائی (بغ فروشی) - مرتضی دستخوی نیکو (شاکرد دوچرخه ساز) - صفر حنیفه رحمانی (ریخته گر) - قدرت سلیمی - اسمعیل عینک چی - هوشنگ

رضیان (عطارد) - غلامحسین صادقی (بلور فروشی) - محرم رستمی (خیاط) - اسمعیل وزیر (توتون فروشی) - امیر بیجار (محمل کلاسی پنجم) - چهار رشیدی (کارگر جورابفای حبیب شو فی رضوانی (ر اننده) - سعدی اسکندری (پرویز رجائی (آرایشگر) - ۴ نفر کتنام - که این

مده در این بابویه مدفون اند و دهها نفر دلاور کتنام دیگر که در راه پیروزی نهضت ملی ایران در روز پر افتخار ۳۰ تیر در تهران و شهرستانها جان باختند.

پیکر حاکم

نشریه دانشجویان دانشگاه تهران وابسته

شماره ۱۰ به جبهه ملی بها ۴ ریال ۴۰۴۳۰



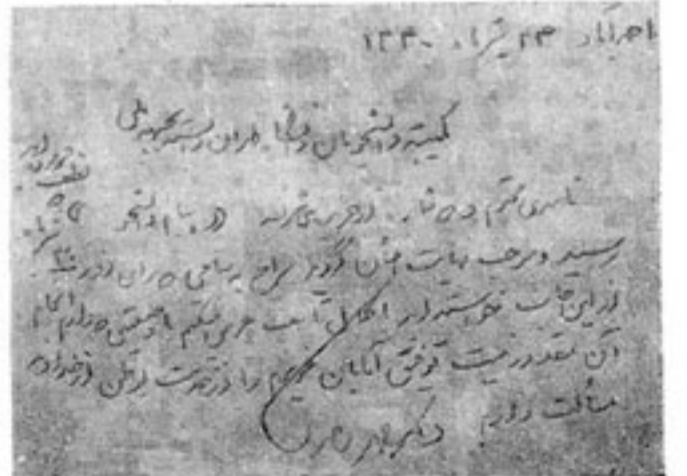
مصدق، پیشوای نهضت ملی ایران

در احمدآباد زندانی است

فوج سربازان حکومت ایران، همراه با هیاهوی تفنگ ها و برق سرنیزه ها احمدآباد را در حصار گرفته اند تا مصدق نتواند فضای آزاد را نیز تنفس کند.

مصدق، پیشوای ملت خود میگوید. مقدورم نیست. مسائلی را با مردم ایران در میان بگذارم. حصار سرنیزه و تفنگ جلویم را سد کرده است.

معلوم نیست از کدام مرجع صلاحیتدار باید پرسید، اگر مصدق زندانی است با چه رأی و از کدام دادگاه، و اگر آزاد است تدارک یک پادگان مجهز نظامی در احمدآباد برای چیست؟ ملت ایران ترس و بیم دستگاه لرزان حاکمه را از نام مصدق ویران مصدق بیجان میسند و این پدیده تازه ای نیست. همیشه قوای اهریمن از سپاه یزدان در هراس بوده است.



پیام دکتر مصدق

مصاحبه با آقای دکتر سنجابی

پیروزی در لاهه

از خاطرات آقای دکتر سنجابی رئیس هیأت اجرائیه جبهه ملی بطوریکه اطلاع دارید در تیر ماه ۱۳۳۱ اختلاف ایران و انگلیس راجع به دعوی نفت در دیوان بین المللی لاهه مطرح بود اینجانب که سمت عضویت هیأت نمایندگان ایران و نمایندگان مجلس شورای ملی را داشتم همراه جناب آقای دکتر محمد مصدق بودم و با سایر دوستان سمت مشاور حقوقی معظم له را داشتیم. بر حسب نظر ایشان و اکثریت هیأت نمایندگان سمت قاضی اختیاری ایران در دادگاه لاهه انتخاب شد و طبق مقررات دادگاه از تاریخ انتصاب رابطه رسمی من با هیأت نمایندگان ایران بکلی قطع شد این نکته گام موجب مزاح و اعتراض جناب آقای دکتر مصدق هم قرار می گرفت.

بعد از پایان مدافعات و محاکمات طولانی و کلیل دعوی ایران جناب آقای دکتر مصدق و هیأت نمایندگان ایران بوظن مراجعت کردند از آن پس جلسات دادگاه بطور خصوصی برای بحث و شور در طرز رسیدگی و ترتیب صدور رأی آغاز گردید بنا بر مقررات دادگاه همیشه تازه ترین قاضی باید نسبت به مسائل و مباحث مطرحه اظهار نظر ورای کند و ناچار همواره نخستین کسی که در دادگاه اظهار نظر و رأی میکرد من بودم خوشبختانه در دومین جلسه دادگاه آشکار بود که ایران برنده

بقیه در صفحه ۴

تجزیه و تحلیل مختصری از

قیام ملی ۳۰ تیر

اوضاع سیاسی کشور در اوایل تیر ماه ۱۳۳۱ - موقع حساس نهضت ملی و توطئه های پرمخنه هیأت حاکمه - استعفای دکتر مصدق عمق خطر را بملت نشان میدهد و تمام نیروهای ملی را بیدار می کشید. اعلام اعتصاب عمومی در سراسر کشور - از ۳ روز قبل از ۳۰ تیر تا صبح ۳۰ تیر مشخصات قیام ملی - فقدان تجهیزات و برنامه قبلی - تاکتیک قیام کنندگان - عصری تیر و عقب نشینی هیأت حاکمه - پیروزی قیام.

در میان قیامهای آزاد بخانه ها که در ایران و خارج در زمانهای دور و نزدیک صورت گرفته، قیام سی تیر وضع خاص دارد و از بسیاری بقیه در صفحه ۳

بادی از روزهای نارنجی تیر ۳۱

* تیرماه آقای دکتر مصدق که برای احقاق حق مردم ایران به لاهه رفته بودند، عازم ایران شدند، ولی اینکار بعلت آرامش خندان نماینده انگلیس بتعویق افتاد و آقای نخست وزیر در مصاحبه با ۶۰ خبرنگار در لاهه در مورد توقیف «وزماری» از طرف انگلیس اظهار داشتند: «بیش از یکسال است که بریتانیا بامید سقوط نزدیک دولت من از هر گونه مذاکره عادلانه ای برای حل مسأله نفت ۰ سر باز زده است، حادثه «وزماری» کواهی صادق بر کارشکنی های انگلیس در ایران است.

* تیرماه آقای دکتر مصدق از سفر لاهه به فرودگاه مهرآباد رسیدند و مورد استقبال ۷۰۰۰۰ نفر (بنا بر گزارش خبرگزاریها) از مردم واقع شدند.

* تیرماه اولین پارتنی نفت ایران به آرژانتین وارد شد. ایند بخبرداران نفت ایران اعلام خطر کرد و عمال او در مجلس شروع به کارشکنی کردند. آقای دکتر مصدق ۱۳۳ شماره عکس و اسناد مربوط به مداخلات انگلیس را با مقامات دارستان کل کشور، مبروم کرده و در صندوق بانک ملی با امانت گذاشتند.

* ۱۲ تیر بدنیال خلعید و اخراج مهندسین و کارمندان انگلیسی، بر اثر کشش مهندسین جوان و وطنخواه ایرانی، چاه شماره ۳ قم به نفت رسید.

* تیرماه آقای دکتر مصدق استعفاء کردند و گفتند > بقیه در صفحه ۲

(مصاحبه)

چند خاطره از

آقای داریوش فروهر

گفتگو از آنچه در روز نارنجی سیام تیر و روزهای قبل از آن بر مردم تهران و چند شهرستان دیگر گذشت کار ساده ای نیست یا دست کم برای من در این روزها دشوار است بنابراین این تنها بذکر چند خاطره پراکنده اکتفا میکنم.

بقیه در صفحه ۲



ای جان بفدای آنکه پیش دشمن

تسلیم نمود جان و تسایم نشا

پیکار کنید و بگذارید بجای آنکه زندان کفنان آغشته بخون باشد پیکار کنید که مرکز را تصندانه هزار روز زندگم فلنگین ستوده تر است. نای نایمه السلام



از آقای ادیب برومند عضو شورای جبهه ملی نقل از کتاب «سرودهای»
درون بشه‌های سی ام تیر

این فسیده در پنجم مردادماه ۱۳۳۱ بیاد بودشدهای س-ام تیر سروده شده است
بخاک پاک شهیدان درود باد درود
که روحشان همه اندر جوار حق آسود
بوزه خاک شهیدان بوزه سی میسر
که تیر نطق از آنان بقهر خود پالود
بسرك قامت دلجویشان که شد در خاک
روا بود که من از دیده بر کشایم درود
روان شدند نه ز هتسرای خلد برین
جماعتی که خداشان بر رخ در پیچه کشید
که در عشق و وطنشان روان تون فرسود
بداع مرگ عزیزان و زادگان دلیر
فسرده مام وطن اشک غم بخون آلود
بحفظ ریاست فرخنده فسر آزادی
پسا جوان که علم کرد فدو چدر فرمود
جه سینه ها که هدف شد گلوله باران را
به تیر آنکه دلش هچو ابرو قیر اندود
پسا کسا که رآن کیر دار هول انگیز
ز بیم کاست ولی بر مقاومت افزود
چه مغزها که فرور یخت، تیر خون نیالی
چه زخمها که عیان کرد تیغ خون آلود
چه جامه ها که کفن شد بقامت احرار
چه چنه ها نگون شد گسته تار از بود
بدست دسته ای از خود سران هم پیروند
شدند کشته گروهي و دشمنان خوشنود
بدین خیال که آزادگی شود در بند
بدین امید که مردانگی شود ناهود
ولیک غافل از آن کز قیام خلق رشید
رقیب غائله پرور ز یا در آید زود
بر آید از صف ملت خروش فتح و سپس
نوی شوق بر آید ز ناله دف و درود
دلوران وطن خوش، بخون خود غلطند
که روسیه نرود از جهان که بدود
درود بساد بروح شهید آزادی
که تابش در آغوش افتخار غنود
درود باد بر آن یک تاز هر سه حق
که گوی فخر و میاهات از میانه بود
بخون سرخ هر آن کونکاشت نام وطن
پنامه تبت کند، نام وی سپهر کبود
درین دیار «ادبیا» هماره تا باید
بقلب پیرو جوان، بخلایف و گفت شنود
خجسته آتش حب الوطن فروزان باد
وزو بدیده دشمن فلک ربانود

صحنی گند
* بیارب یارب شب زنده داران
به امید دل امید واران
بفریاد شکسته در گلوها
به می خون گشته از هم در سبواها
به پیشانی پاک صبحگاهان
بفریاد و فغان بی پناهان
به معیبه های کرد آلوده مهر
به چشم بی فروغ وزردی چهر
به اشک مادران داغ دیده
بگل های خزان زانیده چیده
ناتمام

مهندس حسینی با صدای بلند فریاد کشید «قوم تسلیم و ملت پیروز شده ما نخستین دسته ای بودیم که بمنزل آقای دکتر مصدق رفیقم و خبر پیروزی را بایشان دادیم در حالیکه پیش از هزاران نفر کنار خانه ایشان اجتماع کرده بودند آقای دکتر مصدق بیالکن آمدند و گفتند مردم شرافتمند تهران استقلال ایران رفته بود شما آنرا بازگردانید» پس از آن آقای دکتر مصدق با وجود اهانتهائی که بایشان شده بود و صدعائی که بر مردم وارد آمده وسیله آقای دکتر غلامحسین مصدق بمن که تظاهرات را اداره میکردم پیام دارند تا نظم و آرامش را حفظ کنیم و مردم خشکین بخاطر دستور ایشان از هدفهای انتقام جویانه خود دست برداشتنند و باینصورت قیام بزرگ سی تیر پیروز شد.

بیانیه مشترک شماره يك کمیته های جبهه ملی وین . گراس اطریش

در مقابل وعده های یوج و عوام فریب هیئت حاکمه ایران که ایده ها و نقشه های دولت های سابق و در قالب فسیح تر و فریبنده تری بمردم ایران تحمیل میکنند کمیته های جبهه ملی اروپا و آمریکا کوشش میکنند با استفاده و الهام از نیروی پرارزشی دانشجویان مبارز خارج از کشور افکار عمومی ملت ایران را در کشورهای خارج منعکس کنند و مردم جهان را بواقعیات تلخی که در کشور ما میگذرد آشنا سازند .
دولت غیرقانونی حاضر برای خفه کردن ندای دانشجویان مبارز که با همبستگی و اتحاد خود نمونه ای از قدرت ملی را نشان داده اند دست بحربه های جدید زده و بوسیله دست نشانده گان خود مانع از تمدید گذرنامه های عده ای از دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا می شود دانشجویان ایرانی وابسته به جبهه ملی مقیم اتریش شرفر عمیق خود را باین عمل غیر انسانی دولت ابراز میدارند و میخواهند .
۱- هرچه زودتر باین عمل ضد فرهنگی خاتمه دهند و خاطره جانسوز و نفرت پارفرهنگ کشی دولت شریف امامی را تشدید نکنند .
۲- نظر باینکه طبق اصل چهار و هشت قانون اساسی در فرمان انحلال مجلسین باید هم علت انحلال و هم تاریخ تجدید انتخابات ذکر شود و طبق همین ماده انتخابات جدید باید حداکثر در ظرف یکماه از تاریخ انحلال آغاز گردد . چون تاریخ انحلال ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ ذکر شده است لذا بااستناد همین ماده هرچه زود تر بانجام انتخابات آزاد اقدام گردد
دانشجویان ایرانی مقیم اتریش بدوستانی که بانحسن در سازمان ملل متحد مبارزه برادران خود را تائید کرده اند درود میفرستند سلام ما به سپاه گذار و پیشوای نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق و سایر رهبران جبهه ملی
کمیته جبهه ملی ایرانیان مقیم اتریش وابسته بجبهه ملی ایران

بقیه خاطرات فروهر

مردم تهران بعد از استعفای جناب آقای دکتر مصدق به تظاهرات اعتراض آمیزی دست زدند و میخواستند به مبارزه خویش باحکومت قوام بهمان صورت ادامه دهند. اما دولت قوام ناگهان تهران را بصورت اردوئی نظامی پاشهری اشغالی در آورد و نظامیان مسلح شهر را یکسر در بر گرفتند تا از هر گونه اظهار وجود اهالی جلوگیری کنند.
مردم بهیچروی از تصمیم خود بادامه تظاهرات آرام دست نکشیدند و از صبح روز سی تیر بصورت دستجات پراکنده از قسمتهای مختلف شهر بحرکت در آمدند.
دسته ای از خیابان ناصر خسرو گروهی از خیابان خیام و دانشجویان از دانشگاه تهران آغاز تظاهر کردند خوب بیاد دارم در پیشاپیش صفوف دانشجویان آقای انصاری دانشجوئی حقوق که بواسطه فلج پا با صندلی چرخدار حرکت میکرد فرار داشت وقتی باران گلوله بر صفوف دانشجویان باریدن گرفت تنها کسی بود که در خیابان خالی برصندلی خود باقی مانده بود
تیراندازی ابتدا در بهارستان آغاز شد و دامنهائی به ناصر خسرو و خیابان خیام کشید در محل روزنامه اطلاعات نظامیان کمین گرفته و تیر اندازی میکردند با اینهمه مردم بمقاومت ادامه داده بچنگ و گریز برداشتند و اتوبیلهای دولتی را آتش زده و از گون میکردند و راه نانگها را می بستند.
متظاهرهین مبارزحتی از سلاحهای سرد هم استفاده نمی کردند ارتشیان آنروز از مأموریت خود بشدت سر خورده و ناراحت بودند چنانکه گاه احساسات درویشان بصورت سخنرانی افسری در میدان توپخانه تجلی کرد که بر نانکی ایستاد و سخن گفت و هیچکس ویرا آنساعت نشناخت و پس از سی تیر هم شناخته نشد در خیابان اکباتان کنارسر در وزارت فرهنگ امیر بیچاره دانش آموز بهیستان نظام بفریب گلوله از پا در آمد و خود را بزحمت تا کنار دیوار کشید و بر دیوار جمله معروف این خون زحمتکشان ایرانست زنده باد کتر مصدق مرگ بر قوامها را نوشت دو برادر در ابتدای خیابان شاه بنام اسکندری از پا در آمدند ابتدا برادری کشته شد دیگری که بسوی او آمده بود باشلیک تیر مجروح شد و دو روز بعد در بیمارستان بدرود زندگی گفت
خانم دیگر آمدن آقای دکتر معظمی بمیدان بهارستان بود ایشان بر رئیس مجلس شورای ملی تلفن کرده تقاضای وسیله برای حضور در مجلس را نمودند جیب پلیس بدستور رئیس مجلس برای دکتر معظمی فرستاده شد و همراه ایشان چند تن درجیب وبالاتی آن فرار گرفتند و هنگامی بهارستان رسیدند که میدان پس از گلوله باران خاموشی و خالی بود ناگهان فریاد مصدق پیروز است برخاست و چه آیت بسوی میدان سرازیر شد دکتر معظمی و سر نشینان جیب بودند که فریاد می کشیدند مصدق پیروز است.
آنروز برای دیدار از مجروحین به بیمارستان سینا رفتم از آقای میرعبد الباقی یکی از مجروحین پرسیدم بزیر زمین بیمارستان اشاره کردند وقتی بانجا رسیدم میرعبدالباقی را دیدم در حالیکه گلوله بشکمش اصابت کرده و پانسمان شده بود جیبمستی بیگدست و دست دیگر بمحل زخم گلوله داشت و از اجساد شهدا پاسداری میکرد تا آنها را نندزدند.
هنگام ظهر قوای مسلح شروع بعقب نشینی کردند و مردم بسوی بهارستان هجوم آوردند بلافاصله کلوبهای اشغالی احزاب باز شد پرچمها را بیرون آوردیم و در مقابل مجلس شورای ملی

این کاره جویی نه از لحاظ عجز در انجام وظیفه و خشکی از کار بلکه برای توجه دادن افکار بموقعیت باریک و لزوم تصمیمات فوری است. تا بودجه کشور از عایدات نفت مستغنی نشود ملت ایران نخواهد توانست پیشنهادهائی را که برخلاف مصالح کشور است رد کند .
نخست وزیر در نطق رادیوئی خود خطاب بمردم گفتند :
« ۵۰۰۰ همه میدانند در آغاز کار حتی عوامل و ایادی شناخته شده شرکت سابق نیز چاره ای جز آن ندیدند که به پیروی از افکار عمومی خود را با نهضت ملی هماهنگ نشان دهند. اما یقین بود که این عده یعنی کسانی که همه چیز خود را از برکت اوضاع سابق بدست آورده بودند از پای نخواهند نشست.
شما ملت ایران اکنون بچشم خود میبینید که انحفاظ اخلاقی ۵۰۰۰ در این گروه بعدی رسیده است که حاضرند اعمال ملی ایرانیان را فدای چند روز بیشتر برمسند اهریمنی خویش تکیه زدن نمایند و مبارزات مردم ایران را منکوب کنند .
* ۱۵ تیرماه پس از نطق رادیوئی نخست وزیر هیجان مردم اوج گرفت و مجلس ناگزیر با ۵۲ رأی بانخست وزیر آقای دکتر مصدق موافقت کرد. آقای دکتر سجایی قاضی اختصاصی ایران در لاهه، لایحه خود را تقدیم کرد.
* ۱۹ تیرماه دولت رسماً اعلام کرد که بانگ انگلیس باید تا ۲۰ روز دیگر تعطیل شود
* ۲۰ تیرماه استخراج نفت قم شروع شد.
* ۲۶ تیرماه آقای دکتر مصدق بعلت کارشکنی مجلس و عدم قبول درخواست ملت دایره تسدی وزارت جنگ ایشان، استعفا کردند و ساعت ۸ بعد از ظهر قوام با ۴۱ رأی مجلس به نخست وزیر منصوب شد . باخبر استعفا بازار تعطیل شد. سخنگوی سفارت انگلیس در تهران اعلام کرد انگلیس از روی کار آمدن دولت جدید ایران خوشحال است .
قوام در اعلامیه خود گفت : « به مناسبات حسنه ایران با عموم ممالک خاصه بادول بزرگ اهمیت میدهم. لکن باتباع ایران اجازه نخواهم داد که بانگ اجانب اقرضای خود را بر دولت من تحمیل کنند.
وای بحال کسانی که در اقدامات من انحلال نمایند و در راهی که در پیش دارم مانع بتراشند یا نظم عمومی را بهم بزنند ۵۰۰۰ دست بتشکیل محاکم انقلابی زده روزی صدها تبهکار را از هر طبقه بموجب حکم خنک و بی شفقت قانون فرین تیره روزی میسازم. بمعموم اخطار میکنم دوره عصیان سپری شده و روز اطاعت از او امر فرارسیده است . کشتیبان را بساستی دیگر آمده .
۲۸ نفر از نمایندگان جبهه ملی اعلامیه ای صادر کردند : در تائید سرگندی که برای حفظ مبانی مشروطیت در مجلس یاد کرده ایم و بعلت اینکه معتقدیم در شرایط فعلی ادامه نهضت ملی جز بازمآمداری آقای دکتر مصدق میسر نیست، متعهد میشویم تا با تمام قوای خود و کلیه وسائل از آقای دکتر مصدق پشتیبانی نمائیم.
در اعلامیه شماره ۲۰ اعلام کردند که قوام در موقعی که اکثریت تشکیل نشده از مجلس رای گرفته و بر اساس مشروطیت لطمه وارد آورده است. بنابر این چون قانون اساسی و نهضت ملی ایران در خطر است بانوسل بخدای منعال، بمبارزه و ادای وظیفه نمایندگان مشغول هستیم و امیدواریم شاهم در اینموقع باریک و خطیر مراقب جریان باشید . رویش گزارتی داد که عمال حکومت قوام ۸ نفر را کشته و مخفیانه بخاک سپردند .
* ۳۰ تیرماه خیابان ها از انواع اسلحه آکنده بود بعضی میداین وجویها از خون، گلگون شده بود. بر طبق آمارهای دولتی ۳۰ نفر کشته و ۱۰۰۰ نفر مجروح شده بودند صدها هزار نفر زن و مرد در تظاهرات و جنبش خود بخودی آن روز، شرکت داشتند . دامنه تظاهرات به شهرستانها نیز رسیده بود، حتی در شهرستانهای درجه ۲ و ۳ تعطیل عمومی بود. ساعت چهار بعد از ظهر ملت پیروز شد. سرهنگ قربانی فرمانده قوای بهارستان از طرف حکومت ملی دستگیر شد. قوام معفی شد. قوای حکومت ملی از آتش زدن خانه قوام بدست مردم، جلوگیری کرد. مجلس همان مجلس فرمایشی، مجبور شد تحت فشار افکار عمومی به اکثریت ۶۱ رأی آقای دکتر مصدق را تائید کند . روزنامه های لندن خبر برکناری قوام را بانودوه فراوان تلقی کردند مردم باصفوف منظم - که قریب ۲۰۰ هزار نفر بودند بسوی خانه دکتر مصدق رهسپار شدند.
* ۳۰ تیرماه ساعت چهار آقای مهندس حسینی استعفای قوام را از رادیو با اطلاع مردم رسانید. متینک باشکوهی در میدان سپه تشکیل شد و اجساد ۳۵ تن از شهیدان که بدست آمده بود پس احترام حمل گردید. اهالی کرمانشاه و قزوین کفن پوشیده پیاده راه تهران را پیش گرفتند.
آقای دکتر مصدق در پیام خود فرمودند « هموطنان عزیزم، مردم شرافتمند و غیور ایران از احساسات بی شائبه شما بینهایت سپاس گزارم و بروح شهیدای وطن درود میفرستم... امیدوارم نظم و امنیت را چنانچه شایسته است حفظ کنید...
هنگامیکه آقای دکتر مصدق از کاخ سلطنتی خارج میشدند ، مواجه بانوبه عظیمی از مردم شدند که بدیدارشان آمده بودند. ایشان بیجان مردم رفتند و مردم دست و رویشان را بوسیدند .
ملت ما قهرمانی های دلورانی را که در روز بزرگ ۳۰ تیر بخاطر نهضت ملی ما پیکار کردند هرگز از خاطر نخواهد برد

دانشجویان بازار ایران - کارگران و دیگر زندانیان جبهه ملی را آزاد کنید

| نام | قومیت | وضعیت |
|--------------------------|------------|-------|
| Sir Arnold Duncan McNair | بریتانیایی | غایب |
| M. GUERREIRO | پرتغالی | غایب |
| M. ALVAREZ | اسپانیایی | غایب |
| M. BANDEVANT | هندی | غایب |
| M. HACKWORTH | انگلیسی | غایب |
| M. WINIARSKI | لهستانی | غایب |
| M. ZORICIC | کرواتی | غایب |
| M. KLAISTAD | نروژی | غایب |
| BADAWI PACHA | عربی | غایب |
| M. READ | انگلیسی | غایب |
| M. Hsu Mo | چینی | غایب |
| M. CAINEIRO | پرتغالی | غایب |
| Sir BRUCE G. PAU | بریتانیایی | غایب |
| M. ARMAND UGON | فرانسوی | غایب |
| M. GOLUNSKY | روسی | غایب |
| M. SANDJARI | ایرانی | غایب |

در جلسه شب ۲۸ تیرماه ۱۳۳۱
بهرت فوق علم حضور داشتند

نمونه رای قضات دیوان دادگستری لاهه در مورد نفت ایران که بامضای آقای دکتر سنجابی قاضی ایرانی دادگاه رسیده

یک پیروزی جهانی در ۳۱ تیر

چنانکه در خاطرات جناب آقای دکتر سنجابی در همین شماره مطالعه کرده‌اید ملت ایران پیروزی بزرگ دیگری در کنار موفقیت عظیم ۳۰ تیر بدست آورد که اسباب سر بلندی ملت ما را فراهم ساخت کلیشه بالا نام قضاتی است که باین موضوع رای داده‌اند و عبارتند از: ۱- قاضی انگلیسی (که چنانکه ملاحظه میشود باشجاعت و بی نظری بحقانیت ایران رای داد). ۲- رئیس دادگاه ۳- قاضی یسکی از کشورهای لاتین ۴- قاضی فرانسوی ۵- قاضی آمریکایی ۶- قاضی لهستانی ۷- قاضی یوگسلاوی ۸- قاضی نروژی ۹- قاضی مصری ۱۰- قاضی کانادایی ۱۱- قاضی چینی ۱۲- قاضی برزیلی ۱۳- قاضی هندی (این قاضی چون در شورای امنیت بحقانیت ملت ایران رای داده بود مطابق قانون نمیتوانست مجدداً در این دادگاه رای دهد) ۱۳- قاضی یکی از کشورهای آمریکای جنوبی ۱۴- قاضی شوروی (از شرکت در جلسه به‌توان کسالت تعدد امتناع کرده و در رای شرکت نکرد و توضیح آنکه در شورای امنیت نیز به‌همین منوال عمل نموده بود) ۱۶- دکتر سنجابی قاضی ایرانی

ایکاین هیئت حاکیه ایران درس شرافت و انسانیت را از قاضی انگلیسی دادگاه لاهه می‌آموختند.

نداء

| | |
|--------------------------------|---------------------------------|
| ره نکتانیدت ای اسیر به میدان | تا پسر آبی و راه بسته کشانی |
| ره نکتانیدت ای امید من وما | تا پامید زمانه جلوه فزانی |
| راه توای شیربیر بسته بزنجیر | دیر زمانیت بسته اندر رفیقان |
| دیر زمانیت ای سخنور دانا | مردی و آزادگی نسته بنندان |
| دیر زمانیت هر که در وطن داشت | کوشه زندان نسته سینت دیوار |
| دیر زمانیت دوسراسر ایران | مرد سردار و دزد، قافله سالار |
| ای بس جانها که در نسیم سحر گاه | موج غرور آفریده بلب سوخت |
| چشم بخورشید هم جو عاشق صادق | در ره ملت بسته تیر ستم دوخت |
| آری ایسن دردها بندت دوران | بر تو نهان نیست آشکار و هویداست |
| فصه این غصه‌های خلق پریشان | دیر زمانیت پیش چشم تو پیداست |
| بیر من ای هر روز گار! «مصدق»! | مشعل نیرت بدست کیرو بر افروز |
| اینک نوبت از آن تست، سرافراز | معدن آوره نظام کهنه فرسوز |
| میدان میدان تست خیزد در جانا | کوشی بر همان تست ملت هشیار |
| خامش منشین بگو تو جان سطرنا | «ملت» من آدمم به‌سخته پیکار» |

«بابک»

ولی در بارزیر بار نمی‌رفت. این اختلاف نظر بین دولت و دربار منتسب به استعفیای دکتر مصدق گردید و این واقعه صبح پنجشنبه ۲۶ تیرماه بوسیله علاء وزیر دربار با اطلاع مجلس رسید و نقشه این بود که مجلس به قوام السلطنه رای اعتماد دهد و رای چهل نفر از نمایندگان آن دوره که اکثریت لازم را تین آه می‌تواند در عفا خریداری و تأمین شده بود...

نمایندگان نهضت ملی مخالفت خود را با قوام که تا ندرت نداشت و وزیر بود اعلام داشته و پیرو نامه‌ای موافقت خود را با مصدق اعلام داشتند...

ظهور گذشته بود که رئیس مجلس اعلام جلسه خصوصی در محوطه جلسه علنی مجلس نمود و حال آنکه منظور واقعی غافلگیر نمودن نمایندگان و اعلام سری بودن جلسه در گرفتن رای اعتماد نسبت به دولت قوام بود.

تیرنگی که عکس العمل آن حضور پیدا نکردن سی نفر نمایندگان طرفدار دکتر مصدق (براهنمائی دکتر معظمی) در جلسه بود و در نتیجه جلسه نتوانست رسمیت یابد ولی این پیش آمد مانع نشد که با ۴۲ نفر نمایندگان حاضر نسبت به دولت قوام رای اعتماد بگیرند و چهل نفر آنها با قوام رای اعتماد دادند.

نمایندگان طرفدار دکتر مصدق مخالفت کردند. از احزاب ملی نیز درخواست مقاومت نسبت به این عمل غیر قانونی شده بود و اظهارات علیه حکومت قوام شروع شده بود. به مجلس رفتن با آقای دکتر مصدق تمامی گرفت. و یادآوری کردم که موقع مناسبی برای استعفا پیش نیامده است زیرا آمدن دولت دیگر موجب توقف در اعلام رای دیوان لاهه خواهد شد. عصر آن روز بعزت نگرانی زیاد، عاقبت جریانات از قرآن پرسش شد و آیه «ولا یفقههم شفاعة الشافعیین» موجب تسکین خاطر گردید.

روزشنبه ۲۸ تیرماه به مجلس رفتیم و ضمن اعلامیه‌ای از همه مردم ایران خواسته شد با حفظ نظم و آرامش روز دوشنبه ۳۰ تیرماه با تعطیل عمومی عدم رضایت خود را از استعفیای دکتر مصدق و حکومت قوام ابراز دارند.

روزیکشنبه ۲۹ تیرماه ساعت ۷ بمنزل دکتر مصدق رفتم و خواست کردم که هر قدر ممکن است نسبت به نظریه خویش گذشت نمایندگان ایشان فرمودند فعلاً موافق طبق نظر شاه معاون وزارت جنگ باشد و امورا بدون بودن وزیر جنگ اداره نمایند ولی قبول این نظریه موقتی خواهد بود و بایستی بعد از آن وزارتخانه را تحت نظر بگیریم زیرا بدون وزارت جنگ نوازحیت امنیت داخلی و نه از حیت بودجه و نه به ملت کارکنانی نمی‌توان اصلاحاتی انجام داد.

از مجلس خبر رسید که تا ساعت ۹ صبح امروز در بازار و جلوشمس انعامه چندین نفر شهید و عده‌ای زخمی شده‌اند.

روز دوشنبه ۳۰ تیرماه بمنزل آقایان زیرک زاده و سرتیپ ریاحی و مهندس حق شناس رفتم و پس از مذاکره کوتاهی بشهر آمدیم و برای اطلاع از وضع شهر در میدان قزوین پیاده شدیم و هر چه بیشتر بطرف توپخانه می‌رفتیم دیدم اطاعت مردم از دستور نمایندگان طرفدار مصدق کاملتر است و در شاه آباد و اسلامبول همه مغازه‌ها تعطیل است. جلوی مجلس ناظر رفتار و حیثیت‌های نسبت به مردم محترم شدم به محض اعتراض آفری که کلت خود را پر می‌کرد مرا تهدید بقتل کرد. من به مجلس رفتم و تیر اندازی شروع شد. با طاق امام جمعه رئیس مجلس رفتیم و خواستیم که شاه تلفن و وضع را گزارش دهد. رئیس مجلس و مهندس رضوی با شاه صحبت کردند و قرار شد امام جمعه شرفیاب شود ولی چند دقیقه پس از خروج امام از مجلس اتومبیل او که از پشت آسیب دیده بود بارنگ پریده امام به مجلس برگشت زیرا مردم با دادن شعار «امام جمعه لندنی» مانع رفتن او شده بودند...

کشتار ادامه داشت. در این میان زنی که کودک خردسالش روی بازویش کشته شده بود شیون کنان و اذان گویان بمجلس آمد و بر قوام نفرین کرد و فریاد زد که مردم را میکشند و بچه‌ها را کشتند. این جریان منظره رفت باری را بوجود آورده بود.

ساعت ۳ بعد از ظهر مجدداً نمایندگان باشاه صحبت کردند و از ۴ بعد از ظهر پس از قطع تیر اندازی قوای نظامی رفته رفته از میدان بهارستان جمع شدند و مردم بمیدان بهارستان آمدند. جمع آوری قوایان شرط انجام شده بود که مسئولیت حفظ شهر بعهده نمایندگان طرفدار دکتر مصدق باشد و نمایندگان نیز در اثر اعتمادی که به محبت و اطاعت مردم داشتند این شرط عجیب را پذیرفته بودند.

ساعت ۶ خبر استعفیای قوام به مجلس داده شد و من با خوشحالی این خبر را به مردم دادم و اعلامیه‌ای برای ابلاغ استعفیای قوام به تمام مردم ایران تهیه شد که من و مهندس زیرک زاده و پاراساعیده در رساندن آن بهر کز را در قفسر شدیم. در راه شاید نظم و انضباط مردم مرتب آید و در وقت و راهمائی توسط آنها بودیم. در راه بواقفا فرسالت آن اعلامیه نسیم من شد.

روز سه شنبه ۳۱ تیرماه روز اعلام رای دادگاه به حقانیت ملت ایران بود که علی‌رغم زمینه سازی‌های ماهرانه‌ای که برای استعفیای مصدق و آمدن قوام و استرداد دعوی مطرحه در دادگاه شده بود صورت پذیرفت.

اعلام خبر محکومیت انگلیس اشک تاثر ملت را از واقعه خونین ۳۰ تیر باشک شادی تبدیل کرد و دل‌های محزون آنها عالیترین تسلیمت ها را دریافت نمود و در چشم همه غم نی پایان

جهت در نوع خود بی‌نظیر است. با همه اهمیتی که قیامی تیر از نظر علم لاجتماع و سیاست حائز است هنوز در باره آن بقدر کافی بحث و تجزیه تحلیل بعمل نیامده و جنبه‌های مختلف آن از نظر علمی مورد بررسی واقع نشده است. جادارد که متفکرین و نویسندگان ملی بتدریج این تقیسه را بر طرف سازند و هر یک در باره یکی از جنبه‌های گوناگون آن به تحقیق و بررسی بپردازند. در اینجا ماسمی میکسیم بار عایت اختصار بعضی نکات جالب اجتماعی را یاد آور شویم و برخی درسهای ساده را فراگیریم.

نظری با وضاع سیاسی ایران در اوایل تیرماه ۱۳۳۱
دکتر مصدق با پیروزی کامل از شورای امنیت مراجعت کرده بود. دولت بریتانیا با همه تلاشها و دسته بندیهای بین‌المللی نتوانسته بود اکثریت اعضاء شورای امنیت را با خود موافق سازد و سرانجام قطعنامه نماینده یوگسلاوی بتصویب رسید و شورای امنیت رسیدگی به موضوع را به نتیجه رای دادگاه داوری لاهه افاتنه نمود.

دولت ملی ایران معتقد بود که دادگاه لاهه صلاحیت رسیدگی به مسئله ملی شدن صنعت نفت را در ایران ندارد زیرا این امر ناشی از حق حاکمیت ملتها و مسئله داخلی است. دکتر مصدق و نمایندگان دولت ایران برای بیان و اثبات این نظر بلاهه مسافرت کرده بودند و دکتر کریم سنجابی بسمت قاضی اختصاصی ایران برای شرکت در جلسات دادگاه در هلند مانده بود. هیئت نمایندگان بتهران مراجعت کرده بودند و در چنین شرایطی بود که دسیسه‌ها و توطئه‌های سیاسی در تهران آغاز شد. با وجود بدبینی‌های شدید معیناً بسیاری از محافظ معتقد بودند که دادگاه لاهه بیطرفانه موضوع را رسیدگی خواهد کرد و سیاست را در رای خود دخالت نخواهد داد.

پیروزی در شورای امنیت و پیروزی‌های بزرگ تبلیغاتی هیئت نمایندگان ایران در اروپا و توسعه جنبش عظیم ملی یکبارنه مخالفین داخلی و خارجی نهضت ملی را بخود آورد.

آنها زنده‌نهایی بپند و عده داده بودند که دولت ملی دکتر مصدق در میان مشکلات گوناگون داخلی و خارجی گرفتار خواهد آمد و کاری از پیش نخواهد برد. اکنون آنها میدیدند که حسابشان غلط از کار در آمده و دکتر مصدق کامبکام نهضت مقدس ملی را به پیروزی نهائی نزدیکتر می‌سازد و این امر آنها را بشدت نگران ساخته بود. هنوز چند هفته‌ای از مراجعت هیئت نمایندگان ایران از لاهه نگذشته بود که توطئه‌های عظیم یکی از پس از دیگری بروی صحنه آمد و سرانجام از همه سویر دولت ملی دکتر مصدق و نهضت مقدس که در تحت رهبری او بود یورش آغاز یافت و هر روز کار سخت‌تر شد.

استعفیای تاریخی دکتر مصدق - در آن کیهودار که سر نوشت نهضت ملی ایران مطرح بود و توطئه بدنیال توطئه بروی صحنه می‌آمد لازم بود که ملت از شدت خنور و صمق دسیسه‌های دستکار حاکمه مطلع شود. لازم بود بطور ساده و مختصر مردم آگاه شوند که ادامه نهضت ملی و تأمین پیروزی آن در چنان شرایطی امکان پذیر نیست. حادثه‌ای لازم بود تا عظمت و عمق خطر را نشان دهد. چند سطر استعفا نامه دکتر مصدق ملت را بر تمام حقایق واقف ساخت و مردم آنچه را بحیثیت بداند دانستند.

نتایج سیاسی و اجتماعی استعفاء دکتر مصدق - استعفا نامه به شورای نهضت ملی از جهات اجتماعی و سیاسی نتایج آنی زیر را ببار آورد:

- ۱- عقب نشینی موضعی نهضت ملی و بهالتیجه بمیدان کشیده شدن تمام توطئه‌های هیئت حاکمه.
- ۲- بیداری و آگاه مردم بر حقایق اوضاع کشور و توجه آنها بمیزان شدت خطر.
- ۳- بمیدان کشیده شدن تمام نیروهای ملی برای مقابله با توطئه‌های هیئت حاکمه.
- ۴- اتحاد تمام نیروهای ملی برای مقابله با خطری که موجودیت نهضت را در معرض خطر قرار داده بود.

بقیه در صفحه ۴

خاطره‌ای از:

مهندس کاظم حسینی

در روز تاریخی

صی ام تیرماه ۳۱

دولت دکتر محمد مصدق پس از یکسال دریافت بود که وزیر جنگ که انتصاب آن عملاً با مقام سلطنت شده بود و اجرای تصمیمات ضروری دولت را از نظر تأمین امنیت داخلی کشور غیر عملی ساخته است و بر او وزیر جنگ اجرای مستقیم دستورات و تصمیمات دولت را و تظیفه خوردن دانسته و عملدولتی در داخل دولت تشکیل داده است و حال آنکه ضرورت ایجاب میکرد وزیر جنگ مستقیماً نظرات دولت را بمورد اجرا گذارد

و قتیکه حکومت حقوق ملت را قبض میکند شورش و انقلاب برای ملت و برای هر دسته از ملت مقدس ترین و ناگزیر ترین وظایف

است ماده ۲۸ از اعلامیه جهانی حقوق بشر

۵- تجزیه و شکاف در هیأت حاکمه که ناگهان با مقاومت سخت مردم روبرو شده بود و عناصر هیأت حاکمه در برابر مسئله نمیتوانستند یکسان عمل کنند و وحدت نظر داشته باشند.

شتاب دستگاه حاکمه برای تحکیم مواضع خود - با اعلام استعفای دکتر مصدق هیأت حاکمه که ناگهان بیدار کشیده شده بود، در مرحله نخست سعی کرد با شتاب فوق العاده مواضع خود را تحکیم کند و بتوطئه های خود شکل قانونی بدهد. همین شتاب عجیب خود عاملی شد که موقع سیاسی دستگاه حاکمه را بتوبه خود متزلزل سازد:

آقای حسین علاء بمجلس مراجعه کرد و برای تمایل برفع قوام السلطنه بدست آورد و بلافاصله فرمان نخست وزیری وی صادر شد و آنکجا چون از میزان قدرت نیروهای ملی و خشم مردم مطلع بودند سعی کردند محیط رعب و وحشت را در پایتخت و سایر شهرها حاکم سازند.

اعلام شدیدالللحی قوام بی دردی از رادیو فرائد میبندد، مقررات عبور و مرور حکومت نظامی تشدید کردید، تمام مواضع مهم پایتخت بوسیله تانک و زره پوش اشغال شد چهارراه ها و خیابانهای عمده از نیروهای مسلح مملو گردید. چاپخانه ها تحت مراقبت شدید قرار گرفتند و از طرف دیگر با استفاده از ماده پنج حکومت نظامی کسروه گروه از عناصر ملی توقیف و زندانی شدند.

هنوز آمار صحیح از تعداد بازداشت شدگان آن ایام در دست نیست ولی کافی است در نظر بگیریم که علاوه بر زندانیان متعدد تمام کلاترپیها که تعداد آنها در حدود بیست یا بیشتر بود از جمعیت بازداشت شده مملو بود، اطفاها، راهروها و صحن حیاطها پر از زندانی شده بود و در آنحال با زهم کامیونهای پر از افراد بازداشت شده بی در پی بوسی کلاترپیها و زندانها روان بودند... دستگاه حاکمه باین ترتیب با سرعت سعی میکرد مواضع خود را تحکیم کند و مجال هر گونه جنبشی را از بین ببرد، چنان مینمود که توطئه گران خود را آماده ساخته اند تا سبیلی از آتش و کلوله بر سر ملت روان سازند. در چنان لحظات حساسی که دنیا کار نهضت ملی ایران را تمام شده میدانست معجزه بزرگ اجتماعی بظهور رسید و آنچه قیام سی تیر نامیده شد وقوع یافت.

اعلام اعتصاب عمومی - دستگاه حاکمه متجاوز از سی و شش ساعت از انتشار خبر استعفای دکتر مصدق جلوگیری کرد و در این فاصله میدان بهارستان و اطراف مجلس مواضع مهم دیگر را بوسیله تانکها و زره پوشها اشغال نموده و سپس با اخذ رأی برفع قوام خبر استعفای پیشوای ملت را روز بیست و هفتم تیر ماه از رادیو اعلام نمودند از روز شنبه بیست و هشتم تیر وضع شهر تهران و شهرستانهای عمده کشور دگرگون شد.

بازار تهران و معازنه ها و دکانها تقریباً در سراسر خیابانها بحال تعطیل در آمدند، عبور و مرور وسایل نقلیه بعد اقل رسید، در سر هر کوی و گذر بسته دسته مردم اجتماع میکردند و باقیایه بر از خشم عبور و مرور تانکها و زره پوشها را بنظر میگردید و با حرارت فوق العاده در اطراف اوضاع کشور با یکدیگر گفتگو میکردند. اخطارهای بی دردی ماموران حکومت نظامی برای متفرق ساختن آنها بی اثر بود در مراکز جبهه ملی، جمعیت موج میزد... در این اوضاع و احوال بود که فرمان اعتصاب عمومی از طرف جبهه ملی ایران صادر شد و سرانجام صبح دوشنبه سی تیر ماه فرا رسید.

بامداد سی تیر - شهر تهران یکباره بحال تعطیل در آمده بود، تمام معازنه ها و دکانها را بسته بودند، اتوبوسها و تاکسیها حرکت نمیکردند و در عرض سبیلی از جمعیت خیابانها و چهارراه ها را فرا گرفته بود و در نقاط مختلف، در میدان بهارستان، خیابان شاه آباد جلو بازار میدان مخبرالدوله و نقاط دیگر تظاهرات میشد و مردم نسبت بدکتر مصدق پیشوای ارجمند خود را از احساسات میگرداند. در آنحال ناگهان عده ای ماموران مسلح بوسی جمعیت شلیک کردند، مسلسلها بکار افتاد و در چندین نقطه عده ای در اثر اولین حمله بخاک و خون در غلطیدند ابتداء جمعیت کمی عقب رفت، یکبار دیگر با تانکها و زره پوشها هجوم آوردند و آنوقت معجزه بوقوع پیوست:

سبل جمعیت در نقاط مختلف شهر بادست خالی وبدون سلاح خروشان وبمواضع اولیه خود برگشت، دوبار شلیک شد، جمع دیگری بخاک غلطیدند جمعیت باز عقب رفت و بیازدوباره باخشم و فریادهای هول انگیز جلو، بسوی تانکها بازگشت و آنکجا چندین ساعت بود نواحی مختلف شهر این جریان ادامه یافت، جمعیت بی دردی کشته میداد ولی متفرق نمیشد عقب میرفت و دوباره باز میگشت، کشته هارا جمع میکردند و برجای خود میایستادند.

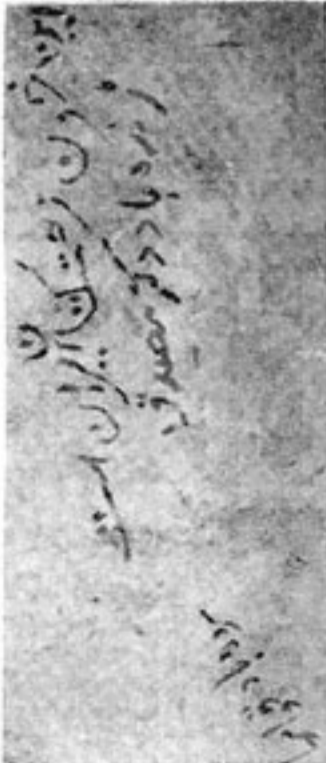
وحشت و هراس در میان عناصر هیئت حاکمه -

وضع شهر تهران و اخباری که از ولایات میرسید دستگاه حاکمه را از خواب گران بیدار کرد، وحشتی عظیم سراپای توطئه گران را فرا گرفت و شکان در میان آنها وسیع تر شد **بخصوصی که همه آنها حس میکردند افسران و سربازان شرافتمند و وطن دوست ایرانی از شلیک بروی خواهران و برادران خود بشدت بیزار میگردیدند و نسبت بهموطنشان شرافتمند خود ابراز همدردی مینمایند.** این اخبار و توسعه دامنه قیام لحظه بلحظه موقع هیئات حاکمه را بیشتر بمخاطره انداخت تا سرانجام هنگامی که خورشید گدازان بمیان آسمان رسیده بود و بوی خون و باروت شهر را در خود فرو برده بود، هیئات حاکمه سرافکننده و هراسان تسلیم شد، تانکها دژره پوشها کامیون های مسلح بسرعت از شهر خارج شدند.

مردم چون سیلهای خروشان از هر سو بطرف بیمارستان سرازیر گردیدند و در آنحال بود که مهندس حسین باصداقی که از شدت هیجان می لرزید خبر پیروزی قیام را از رادیو بگوشی ملت ایران و جهانیان رسانید.

مشخصات قیام - جنبش انقلابی سی تیر از بسیاری جهات در نوع خود بی نظیر است و از این حیث قابل مقایسه با هیچیک از قیامهای تاریخی دیگر نیست. مشخصات اساسی قیام را که سبب تمایز آن انقلابی شده میتوان بشرح زیر خلاصه کرد:

- ۱- قیام دارای برنامه کامل قبلی و تجهیزات نبود و خود بخود و ناگهان آغاز یافت و حتی با صورت قابل پیش بینی نیز نبود.
- ۲- قیام سی تیر در واقع عبارت از یکسلسله قیامها بود نه یک قیام زیرا صرف نظر از جریان شهرت آنها، در همین تهران، در نقاط مختلف شهر در بیمارستان، سبزه میدان، خیابان اکباتان، خیابان شاه میدان مخبرالدوله و نقاط دیگر، بدون آنکه ارتباطی بین جمعیت ها باشد در هر نقطه مستقلاً قیامی صورت میگرفت و توسعه مییافت و اطراف دامنه آن گسترده میشد، جمعیت، چون ساعقه در هر گوشه ظاهر میشد و ضربتی میزدند.
- ۳- قوام کنندگان بپیچوجه مسلح نبودند، حتی اسلحه سرد هم در دست نداشتند، در هیچ نقطه احدی برای گرفتن اسلحه از دست اقدام نکرد، جمعیت بی سلاح در مقابل تانکها ظاهر میشد خروشان و فریاد کتان پیش می آمد کشته میداد، عقب میرفت، دوباره ظاهر میشد یکطرف سراپا مسلح و طرف دیگر بدون سلاح و با وجود این یکطرف حاضر نبود صحنه را ترک گوید، جمعیت نوسان می کرد میرفت و می آمد ولی متفرق نمیشد.
- ۴- در حالیکه طوفان خشم و نفرت، مردم را بلرزه در آورده بود، کوچکترین انحراف در شعارها ظاهر نشد و جمعیت های عظیم شعار های خود یعنی شعارهای جبهه ملی را حفظ و از کوچکترین تغییر در آنها جلوگیری میکردند.
- ۵- بلافاصله بعد از تخلیه شهر از قوای مسلح، قیام کنندگان که تمام روز را در زیر باران گلوله و خون بسر آورده بودند و از خستگی و تشنگی رمق برایشان نمانده بود، در چهارراهها و خیابانها حفظ نظم شهر را بعهده گرفتند و از میان خود افرادی را برای اداره عبور و مرور و تنظیم چراغهای راهنمایی انتخاب کردند که در آن حال عجیب روحی، نهایت جدیت این وظیفه را انجام دادند.
- ۶- بعد از پیروزی و بعهده گرفتن اداره امور شهر از طرف جمعیت و مردم نظم و انضباط بی سابقه ای نشان دادند کوچکترین تخلفی مشاهده نگردید، نه تنها از لحاظ سیاسی خطا و انحرافی پیش نیامد بلکه از لحاظ امور عادی نیز در شهر هیچ بی نظمی مشاهده نشد.
- ۷- در مدت ۳ روز که اداره امور شهر بعهده مردم بود، آزدزدی و سرقت بی نظمی خوری نبود، شاید تهران در عمر خود چنان نظم و انضاطی را کمتر بخورد دیده باشد.



مکتب دلآوری و رشادت: این بود مختصری از مشخصات قیام بزرگ سی تیر، قیام مردم کوچک و خبیان قیامی که از میان مردم عادی جوشید و بوسیله خود آنها اداره شد و بشهر رسید. هیأت حاکمه که محیط خفقان هشت ساله را همچنان ادامه میدهد با تمام قوا کوشیده و می کوشد تا از یازد آوری این روز بزرگ تاریخی جلوگیری بعمل آورد و بخیال خود کاری کند تا مردم آنرا بتدریج فراموش کنند. عناصر حاکمه مخصوصاً سعی دارند که توجه نسل جوان باین مکتب مردانگی جلب نکند و دانشجویان مبارز و جوانان فدایگر که در آن ایام در سنین طفولیت بودند و این جنبش عظیم و خصوصیات آن آشنا نگردند. بر ماست که تشبیهات مذبحخانه هیأت حاکمه را نقش بر آب سازیم و خاطره شورانگیز آن قیام بزرگ ملی را همچنان در اذهان زنده نگه داریم که زنده نگاهداشتن آن خاطره زنده نگاهداشتن عظمت نهضت ملی ایران است

بقیه پیروزی در لاهه

دعوا خواهد بود زیرا تا پایان آن جلسه هفت تن از فئات اظهار نظر کردند که پنج تن با نظر ابر ان مبنی بر عدم صلاحیت موافق بودند و این خود موجب شور و شغف خاص در من شده بود در ضمن بحث های خصوصی که با یکدیگر فضاوت پیش آمد اجمالاً معلوم بود نظر سایر ایشان موافق یا مخالف خواهد بود پس از ختم مباحثات و تهیه پرسشنامه لازم راجع بمباحث و انجام اظهار نظر دادگستران دادگاه درباره سوالات مربوط که از مجموع آن ها نظریه دادگامبر باره چگونگی حکم و ترتیب تدوین حکم معلوم میگردد کمیته ای برای انشاء رای از اکثریت فئات یعنی دادرسانی که بنفع ایران اظهار نظر کرده بودند تشکیل گردید و طی چند روز طرح مقدماتی رای دادگاه را تهیه و تقدیم کرد و مورد مشاوره قرار گرفت و با اصلاحات لازم بتصویب رسید و به کمیته دیگری برای شور و انشاء دوم تسلیم شد و پیشنهاد نهایی رای دادگاه تهیه و بین فئات توزیع گردید

ناگهان خبر استعفای جناب آقای دکتر مصدق و صادرات قوام السلطنه منتشر گردید این واقعه بزرگترین و دردناکترین وقایع حیات سیاسی و اجتماعی من بوده است زیرا از طرفی نتیجه بشمر رسیدن زحمات و رنجهای چندین ساله نهضت را میدیدم که بزودی بصورت حکم دیوان بین المللی لاهه حقانیت ملت ایران را بجهانیان اعلام مینماید از طرف دیگر هر لحظه وحشت اینکه زحمات و کوششهای جنگلی بهدر رود و این پیروزی بزرگ از دست ملت ما خارج شود وجود داشت زیرا بنا بمقررات دیوان طرفین دعوا تا زمانیکه حکم اعلام نشده میتواند توافق کرده و دعوا را مسترد دارند

توس از این بود که قوام با توافق انگلیسها دعوی مذکور را که در شرف صدور حکم بود مسترد دارد و بملک ایران چنین وانمود کند که نتیجه برای ایران و بنفع ایران نداشته است و همه چیز را بی نتیجه بگذارد

حاجت بتوضیح نیست که در آن چند روز من با سر شکستگی کامل وارد دادگاه شده و احساس میکردم داور سان و کارکنان با نظر رفت و ترجمه به نما بنده ملتی شکست خورده مینگردند روزی با یکی از دوستان که متوجه اضطراب و ناراحتی من بود نگرانی خود را ابراز داشتیم آن قاضی شریف دست بر شانه ام نهاد و گفت آقای ستجاسی نگران نباشید بهر حال «قاضی در برلن هست» این شرب المثل زبانهای آلمانی و فرانسوی است و معنیش اینست که طرف دعوا هر قدر قوی باشد با لاخره در برلن قاضی پیدا میشود که مستقل الرای باشد و اشاره به افسانه ای میکند که یکی از امپراطوران آلمان میخواست خانه رعیتی را تصاحب کند و دهقان پاسخ داده بود که بالاخره قاضی در برلن هست.

خوشبختانه نگرانی کشته بطول نماند امید و یک روز که از یله های مهمانخانه بزیور میآمدم و در اندیشه از دست رفتن همه پیروزیهای ملتی تهیدست و بزرگ بودم منشی هتل که از نگرانی من مطلع بود با و جد و شغف خارقالعاده ای پیش آمد و با احتیاط تمام بمن تبریک گفت و روزنامه تازه منتشر شده را بدستم داد که در آن از قیام دلیرانه سی تیر مردم ایران و سقوط حکومت چند روزه قوام و صادرات مجدد آقای دکتر مصدق مژده داده بود از آن ساعت احساس کردم که در تمام محافل با نظر دیگری بنمایند ایران نگاه میکنند و وقتی وارد دادگاه لاهه شدم از سرایدار تا منشیان و داورسان احترامات بیشتری بجا میآوردند مخصوصاً هنگامیکه وارد جلسه شدم که در حال تشکیل بود داورسان با نظر اعجاب و تحسین بمن نگاه میکردند گوئی من عامل و نماینده آن فتح و پیروزی درخشان بودم با آنکه فئات از هر نوع اظهار نظر نسبت به امور ملت ها که دعوایشان مطرح است خود داری میکنند لاهه تحسین و تمجید در چهره شان نمایان بود درست روز بعد جلسه رسمی دادگاه تشکیل و رای دادگاه رسماً بنفع ایران اعلام گردید و پیروزی دوجانبه مردم ایران در طهران و لاهه شرافت و افتخار ملت کهنسال ایران را بجهانیان ثابت کرد.

همچنانکه چند روز پیش برای من بدترین و ناگوارترین ایام زندگی بود خاطره آنروز گرامی که رای دیوان لاهه صادر شد بهترین و افتخار آمیزترین خاطرات مدت حیات من است که مسرت آنرا در وجود خویش احساس میکنم احساس اینکه جزء ملتی زنده هستم که در میدان های محلی و جهانی پیکار میکند و پیروز میشود.